

به انگیزه برپائی
مراسم با شکوه
تدفین پاپ بیاندیشیم

واتیکان زنگ ها را باید به صدا در آورد!

مراسم تدفین پاپ با شکوه توام با وسیع ترین همایش سیاسی سران و رهبران کشورهای جهان برگزار شد. از امریکا، نه تنها جورج بوش، بلکه روسای جمهوری سابق و اسبق این کشور (کلینتون و پدر بوش) در این مراسم حضور یافتند. از ایران محمد خاتمی، از خاورمیانه ملک عبدالله پادشاه اردن و از اسرائیل رئیس جمهور این کشور. از اسپانیا پادشاه این کشور و از انگلستان پادشاه آینده این کشور در صف مقدم قرار گرفتند تا مراسم سلطنتی خاکسپاری پاپ را ناظر باشند!

حضور غیرمتعارف این تعداد از سران کشورهای جهان (بویژه با چنین ترکیبی از رئیس جمهورهای سابق امریکا) و مراسمی چنین با شکوه نخستین پرسشی را که به اذهان می آورد، دلیل چنین مراسمی است.

هر جریان سیاسی می تواند حدس و گمان ها و تحلیل و تفسیرهای خود را ارائه دهد، ما نیز حق خود می دانیم بنویسیم:

دو دلیل و انگیزه در این ارتباط بیشتر از هر دلیل و انگیزه دیگری مطرح است.

1- تجلیل از رهبری مذهبی که در کنار کشورهای بزرگ سرمایه داری جهان و شان به شان رهبران وقت این کشورها جنگ سرد را همراهی کرد و بخش مذهبی این جنگ را بیش از دو دهه رهبری کرد.

2- کوشش برای برجسته ساختن نقش آینده واتیکان و جانشین پاپ جان پل دوم در استراتژی تهاجمی امریکا و متحدانش زیر پوشش و بهانه مبارزه با تروریسم جهانی. این دو انگیزه که در پشت مراسم باشکوه تدفین پاپ پنهان بود، سمت گیری انتخاب جانشین وی را نیز مشخص می سازد. امریکا با تمام وزن حضور خود در مراسم یاد شده، خواهد کوشید تا همانگونه که برای بانک جهانی رئیس تعیین کرد، برای سازمان ملل نقشه مدیریت جدید دارد، برای واتیکان نیز کاردینالی را به مقام رهبری واتیکان برساند که سمت گیری های سیاسی او همسو با استراتژی کنونی امریکا باشد. استراتژی که برای رسیدن به هدف، از جنگ ادیان نیز بیم ندارد: تقسیم جهان به دو قطب مسیحیت (با تبلیغ ضد تروریست بودن آن) و اسلام (با اتهام خطر جهانی تروریسم).

بخشی از بازی خطرناکی که بر سر فعالیت های اتمی ایران جریان دارد و حاکمیت نیز کوتاه بینانه عامل تبلیغاتی امریکا و استراتژی جهانی آن شده، در اینجا نهفته است.

حضور محمد خاتمی در مراسم تدفین پاپ، شاید می توانست گریزی باشد از افتادن جمهوری اسلامی در دام های امریکا و انگلستان (که اکنون ایتالیا را نیز متحد خود دارند)، اما اگر اصلاحات و رفم در ایران تثبیت شده و حادثه جویان و جاده صاف کن های سیاست های امریکا در نهادهای مذهبی و انتصابی جمهوری اسلامی به حاشیه رانده شده بودند. نه تنها چنین نشده است، بلکه بیم از آن می رود که از دل انتخابات آینده ریاست جمهوری در ایران،

پرچم بدستان گروه دوم بیرون بیایند و اسب تروای استراتژی امریکا در ایران و جمهوری های آسیائی اتحاد شوروی سابق شوند.

پیش از آنکه جاذبه صدای دلنشین گروه ها و تک خوان های گر و اتیکان، چشمان نمناک حاضران در میدان بزرگ و اتیکان، دیدار ده ها رهبر جهان و عباهای سرخ و کلاه های بلند و گاه طلائی کاردینال ها و رهبران فرقه های مسیحیت در مراسم با شکوه و غیر متعارف تدفین پاپ ما را مبهوت کند، باید نگران احتمال نقش هول انگیز و اتیکان در کنار امریکا، در حوادث و رویدادهای آینده بود. به نقش و اتیکان در امریکای لاتین و علیه گرایش به همسوئی بخشی از کشیش های این منطقه با جنبش های رهائی بخش و جدائی و تقابل مذهبی در جهان!